هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

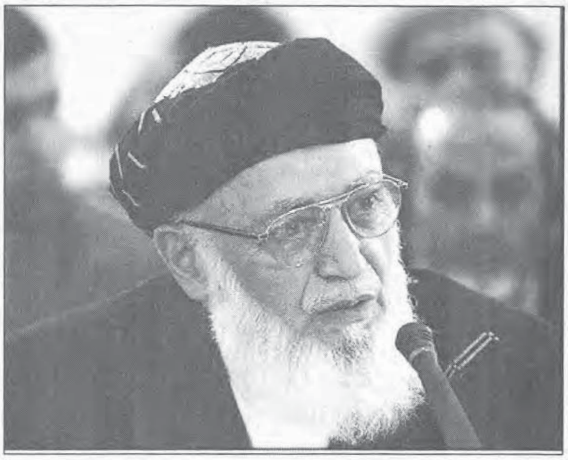
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ چهلم پنجشنبه ۲۹ حوت ۱۳۸۷- ۲۲- ربیع الاول ۱۴۳۰ - 19 March 2009

"مجاهد" فرا رسیدن سال نو هجری خورشیدی را به هموطنان عزیز تبریک می گوید

استاد برهان الدین ربانی در بیست و دومین کنفرانس وحدت اسلامی در تهران:

اتحاد مسلمانان باعث پیروزی آنان و نزاع آنان باعث ناتوانی شان می گردد



استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت با استشهاد به آیات از قرآن کریم: (إن هذه امتكم أمةً واحدةً و أنا ربكم فاعبدون) "این، امت شماست که یگانه است، ومن پروردگار شمایم پس مرا بپرستید" و(إن هذه أمتكم أمةً واحدةً و أنا ربكم فاتقون) "این، امت شماست که یگانه است، ومن پروردگار شمایم پس مرا بپرستید پس از من پروا دارید". گفتند: قرآن کریم وحدت و یک پارچگی را از خصایص مهم امت اسلامی خوانده است، وبدون وحدت نمی توان به وجود امت اسلامی باور داشت و مسلمانان بدون وحدت و همبستگی نمی توانند شاهد موفقیتی باشند.

استاد درجلسهٔ پایانی بیست ودومین کنفرانس وحدت اسلامی که از سوی مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی زیرعنوان "امت اسلامی، چالش ها و راهکارهای مقابله با آنها" درمدت ۲۳ تا ۲۵ حوت در تهران برگزار شده بود، این سخنان را ابراز داشتند.

استاد دراین سخنرانی خاطرنشان کردند که زمانی مسلمانان متحد بودند از عزت واقتدار بودند و زمانی که به اثر اختلافات قومی ونژادی ومنطقه یی دچار نزاع شدند عزت و اقتدارخود را از دست دادند.

استاد دراین زمینه به امپراتوری مسلمانان در اندلس اشارت کردند که مسلمانان هشت قرن در آن دیار فرمانروایی کردند، زمانی که اروپای قرون وسطی سراسر در جنگ های داخلی بر پایهٔ نژاد مذهب می سوخت وآنان درهمهٔ عرصه های فرهنگ وتمدن چشم به سوی مسلمانان دوخته بودند.

همچنان ایشان افزودند مسلمانان زمانی در شبه قارهٔ هندوستان متحد بودند زمام علم و فرهنگ وتمدن و سیاست را در این سرزمین به دست داشتند. ادامه درص۸

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت حلول سال نو هجری خورشیدی

هموطنان مؤمن و صبور!

فرار رسیدن سال نو ۱۳۸۸ هجری خورشیدی را به شما تبریک عرض می داریم و از بارگاه یزدان منان استدعا داریم که سال نو آغاز پایان همه بدبختی ها برای ملت مؤمن، شکیبا، مقاوم و درد آشنای ما باشد.

چه در سال پار بمباردمان های کور جان ده ها تن از فرزندان بی گناه میهن ما را گرفت. ده ها تن از فرزندان دلاور این سرزمین مربوط اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی، جان های شیرین شان را سخاوتمندانه فدای دفاع و پاسداری از امنیت مردم و وطن نمودند.

در سال پار عده یی جاهل و نا آگاه از دساتیر و فرامین دینی به عملیات انتحاری دست یازیدند و اعضای صد ها خانواده افغان را داغدار وسوگوار نمودند.

در سال پار در برخی از مناطق کشور، قحطی نیز بیدادکرد و بیمارهای شناخته شده ونا شناخته جان ده ها تن را گرفت.

سال پار در مجموع سال خونینی در افغانستان بود، ما امیدواریم سال جدید آغاز خوبی ها و سعادت برای مردم کشورما باشد. در این سال وسال های بعدی هموطنی با مصیبت های به گونهٔ سال پار دست و گریبان نگردد.

در سال روان هجری خورشیدی ک ملت بازهم به سوی صندوق های رأی می رود، آرزومندیم که از رای خود آگاهانه استفاده نماید و با به کارگیری خردمندانه از آن، تاریخ کشور خویش را رقم زند ودر گزینش خود آرامی و آبادی میهن را نصیب العین قرار دهد.

جمعیت اسلامی افغانستان یک بار دیگر حلول سال نو هجری خورشیدی را به کافهٔ ملت نجیب افغانستان تبریک گفته، آرزومند است، سال نو، سرآغاز همه خوشبختی ها و نقطه پایان همه مصیبت ها باشد.

بمنک و کرمک یارب العالمین.

استاد برهان الدین ربانی درمراسم میلاد با سعادت حضرت رسول اکرم ص:

میلاد پیامبر، میلاد نور بود، ظلم و جهالت و بربریت عصر خود را از بین برد و راه را برای روشنایی جهان انسانی بازکرد ص۲



جسد سردار محمد داود خان رئیس جمهور سابق، به خاک سپرده شد

روزسه شنبه تاریخ ۲۷ حوت جسد سردارداود خان همراه باهفده تن ازاعضای خانواده اش که سی سال قبل در جریان کودتاه خونین ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش توسط کمونست ها کشته شده بودند، طی مراسم رسمی دولتی درتپه یی واقع دارالامان به خاک سپرده شد واین تپه را به نام داود خان نام گذاری نمودند.

کمیسونی که به همین مناسبت یازده ماه قبل ازسوی دولت تعیین شده بود توانستند درشناسایی جسد داود خان واعضای خانواده اش کمک کنند وبا دفن داود خان کارشان به پایان رسید.

مراسم جنازه درارگ ریاست جمهوری به اشتراک شخصیت های برجسته سیاسی برگزارشد ومتعاقباً جسد وی توسط هلیکوبتربه تپهٔ یادشده انتقال یافت وطی مراسم ویژهٔنظامی دفن گردید.

دراین مراسم محمد صدیق چکری سرپرست وزارت حج واوقاف وبرخی دیگری، راجع به گوشه های اززندگی ، شخصیت داود خان به سخنرانی پرداختند.

داود خان که در۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ طی یک کودتاه سپید قدرت را ازظاهرشاه پسرکاکا و پسرخاله اش، بدست گرفت به جای نظام شاهی نظام جمهوری را اعلان نمود.

سرانجام وی در۸ ثورسال ۱۳۵۷ دریک کودتای خونین همراه باتعدادی ازاعضای خانوده اش توسط کمونست ها به قتل رسید.

له دوریش عبدالرحمان بابا سره هم دښمني؟!!



ص ۴

ایکو، سیاست و همکاری های اقتصادی ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دکب ځلورویشتمه د هرات دخلکو پاڅون

د ۱۳۵۷ کال د کب د میاشتي په ځلورویشتم تاریخ دهرات د فرقي مسلمانو صاحب منصبانو د کمونیستي رژیم پرخلاف پاڅون وکړ او په ډیرلږو ساعتونوکی په عمومي پاڅون بدل شو او د ښاراو ولسوالیو خلکو په پراخه توګه په دي پاڅون کي برخه واخیست.

دا پاڅون ولي تاریخي ارزښت او اهمیت لري؟

لومړي داچي د جهاد او مجاهدینو دښمنان چي د حقایقو او واقعیتونو دښمنان هم دي، په درواغو داخبره کوي چي دافغانستان د اتلو خلکو جهاد یواځي او یواځي و شوروی اشغالګرو قوا و د پرضد او دشورویانو له وتو وروسته جهاد ختم شوي ده!.

واقعیت دا ده چي شوروی مشاورین له مخکی نه موجود و خو دشوروی یو پوځونو له یرغل نه مخکی او د ثور له کرغیړنی کودتا نه وروسته د هیواد په ځینو سیموکی د غاصب او ملحد رژیم پر خلاف ولسی پاڅونونه شروع شول او هم په عسکری قطعاتو کی نظامي قیامونه.

دشورویانو له یرغل نه مخکی د افغانستان خلکو د محلی رژیم پر خلاف په مبارزه پیل کړی و او دا کرکه او نفرت ورځ په ورځ مخ په زیاتیدو و. دافغانستان په اردوکی ډیر کم کسان له ملحد رژیم نه پلوی کوله او اکثره صاحب منصبان مسلمان اوغیرګوندی و. خو د منظم او تشکیلاتي کار د نشتوالی لکه کبله د رژیم مخالفین و نشوکولاي چی مخالف عسکري او صاحب منصبان سره منظم کړی او په یوه وخت کی پاڅون ته چمتو کړی.

دهرات د فرقی افسران او عساکر په میړانه د الحاد او کمونیسم پرخلاف پاڅون وکړل، وجنګیدل او د هرات د خلکو له پراخ پیوستون او ملاتړنه برخمن شول.

دا تاریخي پاڅون په حقیقت کی لومړنی مرګون ګوزار دثور(غوایی) پرکودتاچیانو اوکمونیستانو و او دوی ته وښوده چي په شانه تلونکی ادعایی انقلاب، څومره کمزوری ده او د تاریخ کندي ته د غورځیدو لومړنی پړاو ده.

دهرات له پاڅون نه وروسته د کودتایی او ملحد رژیم عذرونه او زاری، شورویانو ته زیاته شو چی مونږ دخلکو د پاڅون د مخنیوی توان نلرو او مونږ ته عسکري قطعات راولیږی ترڅو دسیاسي په زور په خلکو حکومت وکړی!

دافغانستان تاریخ دهرات خلکو داتاریخی پاڅون او په تیره بیا دعسکری اتلو صاحب منصبانو او ولسی خلکو ایثار او قربانی په یاد ساتی او دامیر محمداسماعیل خان، علاوالدین خان او کمال خان او په ولس ها و نورمجاهدین نومونه به دخلکو په زړو کی پاتی وي او د یو نسل نه بل نسل ته به انتقال شی.



ایکو، سیاست و همکاری های اقتصادی

ابوبکر سبزوار

سازمان همکاری های اقتصادی منطقوی (ایکو) دهمین اجلاس خود را در تهران برگزار نمود اما در آن بیشتر به مسایل سیاسی و کمتر به موضوعات اقتصادی پرداخته شد. این نکته خود مبین این حقیقت است که کشور های عضو ایکو بیشتر نگران از چالش های سیاسی امنیتی در منطقه اند.

ایکو بعنوان سازمان همکاری های اقتصادی منطقوی در سال ۱۹۸۴ بدنبال تفاهم میان کشور های ایران، ترکیه و پاکستان قدم به عرصهء وجود نهاد یعنی سه کشوری که سالها قبل در پیمان سنتو با هم همکاری داشتند. البته هدف از پیمان سنتو که در آن زمان با تشویق امریکا بوجود آمده بود، مقابله با نفوذ کمونیزم بود اما این بار کشور های عضو سنتوی سابق به منظور گسترش روابط اقتصادی منطقوی با هم توافق نمودند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی کشور های دیگری از آسیای میانه و نیز افغانستان درسال ۱۹۹۲ به عضویت این سازمان درآمدند. عضویت افغانستان در این سازمان در حالیکه درگیر جنگ نیز بود نشان از آن داشت که کشور های عضو ایکو به نقش این کشور در آینده زیاد اهمیت می دهند.

افغانستان بخاطر موقعیت جغرافیائی خویش می تواند مسیر ترانزیتی مهمی میان جنوب آسیا و آسیای میانه باشد اما نامنی های دوامدار در این کشور موجب گردیده تا افغانستان نتواند این نقش مهم را در همکاری های اقتصادی منطقوی ایفا نماید.

تهاجم امریکا به افغانستان موجب بمیان آمدن همکاری های دیگری گردید که خارج از چهارچوب این سازمان بود. ایران در طول هفت سال گذشته کمک های اقتصادی برای بازسازی افغانستان انجام داد و بعضی از کشور های دیگر عضو از جمله پاکستان و نیز کشور های آسیای میانه با امریکا در این جنگ همکاری کردند.

وقتی در تهران برای تدویر دهمین اجلاس ایکو آمادگی ها در جریان بود، خانم هلیری کلنتن وزیر خارجهء امریکا از آمادگی ها برای یک کنفرانس بین المللی در مورد افغانستان سخن گفت که احتمالا در هالیند در اواخر ماه مارچ دایر خواهد گردید. در این کنفرانس نقش همسایگان افغانستان بخصوص ایران و پاکستان برجسته خواهد بود.

کای آیده نمایندهء سرمنشی سازمان ملل متحد در امور افغانستان نیز قبل از افتتاح اجلاس ایکو به تهران رفت و به نظر می رسد که هدف از این سفر مذاکره با وزرای خارجهء کشور های عضو ایکو و نکتهء محوری در این مذاکرات مسئلهء افغانستان بوده است.

بنظر می رسد که اجلاس ایکو فرصت مساعدی را بمیان آورده تا روی سیاست های منطقوی امریکا لااقل در حاشیهء این اجلاس صحبت و تبادل نظر صورت گیرد. این درحالیست که دولت افغانستان نیز بر لزوم مشارکت ایران در پروسهء تامین صلح در افغانستان تاکید ورزیده است.

مشخص است که ایران نه تنها بعنوان همسایهء افغانستان و داشتن مرز طولانی با این کشور می تواند در این راستا نقش مهم ایفا نماید بلکه بعنوان یک قدرت مهم منطقوی نمیتواند از ابراز وجود در تحولات منطقه بدور نگهداشته شود. امریکا نیز به این باور است که مشکل افغانستان فقط از راه نظامی قابل حل نیست و کشور های همسایهء افغانستان می توانند در صلح وثبات در این کشور نقش مهمتری بعهده بگیرند.

دست آوردی که افغانستان در این اجلاس داشت این بود که آقای یحیی معروفی بحیث سرمنشی ایکو انتخاب شد. اما از نظر اقتصادی تجارب گذشته نشان می دهد که ایکو نقشی در اقتصاد افغانستان نداشته است. زیرا در هفت سال گذشته توسعهء اقتصادی در اجندای دولت افغانستان شامل نبود و اگر همین سیاست ادامه یابد، کشور ما از همکاری های منطقوی در چهارچوب ایکو بهره ای نخواهد برد.

وزرای خارجهء افغانستان و پاکستان در نشستی از ایران خواستند تا در کنفرانس بین المللی که قرار است در مورد افغانستان دایر گردد شرکت نماید اما همانگونه که سفیر ایران در افغانستان قبلا اظهار داشته بود، این نکته مشخص نیست که امریکا در رابطه با افغانستان چه انتظاری از ایران دارد؟

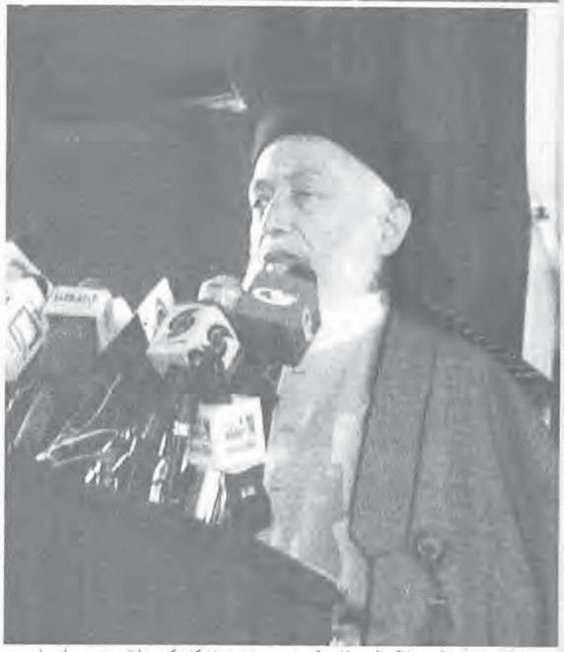
یک نکته که نگرانی های بسیاری را در امریکا برانگیخته اینست که افغانستان کشوری است که به بحر راه ندارد و رسانیدن مواد مورد ضرورت نیروهای ناتو در افغانستان باید از مسیر کشور های همسایهء افغانستان صورت گیرد. در شرایطی که وضع امنیتی در پاکستان روز تا روز بدتر و عبور کاروان های اکمالاتی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان از مسیر پاکستان دشوار تر می شود، امریکا برای حل این مشکل دست بسوی روسیه و کشور های آسیای میانه دراز کرده است اما این مسیر ها هرچند امن است اما به دلیل دوری مسیر مصارف گرانتری را ایجاب می نماید. از طرف دیگر امریکا در شرایطی که می خواهد نیروهایش را در افغانستان افزایش بدهد، نمی خواهد این چالش احتمالی را بپذیرد که بخاطر متکی شدن به مسیر روسیه در جنگ افغانستان، مجبور به دادن امتیاز به روسیه گردد. مسیر ایران نزدیک و بی خطر و در نتیجه کم مصرف است اما آیا می توان به حل مشکلاتی که طی سه دهه بر روابط میان ایران و امریکا سایه افگنده بود در آیندهء نزدیک امید بست؟

در ملاقات میان روسای جمهور ایران، افغانستان و پاکستان بر گسترش روابط میان سه کشور تاکید شد اما آیت الله خامنه ای طی سخنانی گفت که ورود امریکا به عرصهء هر کشوری موجب بغرنج تر شده اوضاع می شود. او به وضوح اشاره به نالمنی هائی داشت که پس از حملهء امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ تا کنون در دو کشور افغانستان و پاکستان روندی رو به گسترش داشته است.

محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران در بیانیهء خود با اشاره به بحران شدید اقتصادی در غرب گفت که پس از فروپاشی سیستم اقتصاد سوسیالیستی اکنون اقتصاد سرمایداری هم در آستانهء فروپاشی است. وی اقدامات کشور های اروپائی و امریکا را در مقابله با بحران اقتصادی جهان به زیان اکثریت کشور های جهان دانست و از آن شدیدا انتقاد نمود.

سخنان احمدی نژاد فقط انتقاد نبود بلکه وی پیشنهادات مشخصی را برای بهبود وضع اقتصادی در جهان و کاهش اثرات زیانبار بحران اقتصادی جهان بر اقتصاد کشورهای عضو ایکو پیشنهاد نمود. رئیس جمهور ایران خواستار آن شد تا متخصصین کشور های عضو ایکو طرحی برای یک نظم نوین اقتصادی جهانی ارائه نمایند. برای بهبود روابط اقتصادی میان کشور های عضو، احمدی نژاد به معاملات پایاپای میان کشور های عضو تاکید داشت و خواستار آن شد تا در جهت حذف نقش دالر و تقویت پول های کشور های عضو اقدامات موثر تری صورت گیرد وی گفت که معاملات تجاری دو جانبه و چند جانبه بر اساس پول رایج هریک از کشور ها صورت گیرد. وی پیشنهاد نمود تا یک بانک توسعهء تجارتی ایکو در چهارچوب این سازمان بمیان آید که دارای شعباتی در تمام کشور های عضو باشد.

دست آوردی که افغانستان در این اجلاس داشت این بود که آقای یحیی معروفی بحیث سرمنشی ایکو انتخاب شد. اما از نظر اقتصادی تجارب گذشته نشان می دهد که ایکو نقشی در اقتصاد افغانستان نداشته است. زیرا در هفت سال گذشته توسعهء اقتصادی در اجندای دولت افغانستان شامل نبود و اگر همین سیاست ادامه یابد، کشور ما از همکاری های منطقوی در چهارچوب ایکو بهره ای نخواهد برد.



استاد برهان الدین ربانی درمراسم میلاد با سعادت حضرت رسول اکرم ص:

میلاد پیامبر، میلاد نور بود، ظلم و جهالت و بربریت عصر خود را از بین برد و راه را برای روشنایی جهان انسانی بازکرد

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله واصحابه ومن دعا بدعوته الی یوم الدین.

جوانان عزیز! در آغاز میلاد حضرت رسول اکرم (ص) را برای همه شما مبارک باد می گویم. باسپاس و شکران از این که این روز بزرگ را تجلیل نموده اید و در راه پیامبرگرامی تان با صدق و اخلاص و ایمان گام بر می دارید. شکی نیست که میلاد پیامبر گرامی میلاد از جهان نو و عصرجدید در جهان انسانی است. میلاد پیامبر یقیناً میلاد نور بود، ظلم و جهالت و بربریت عصرخود را از بین برد و راه را برای روشنایی جهان انسانی بازکرد. قرآنکریم می فرماید: "برای همه انسان ها تو را به عنوان پیامبر رحمت فرستادیم."

انسان به عنوان گل سرسبد هستی و به عنوان خلیفهٔ خدا در زمین مورد توجه پیامبرگرامی و دعوت اسلامی قراردارد. زیرا مادر جهانی زندگی می کنیم که صلاح و فساد این جهان وابسته به انسان است. اگر ما انسان های سالم داشته باشیم جامعهٔ سالم می داشته باشیم. ماوقتی تاریخ را می خوانیم که تحولاتی که بعد از میلاد پیغمبر در جهان به میان آمد می شود به صورت کوتاه دنیای پیش از میلاد را نیز بررسی نمود. ما می بینیم که کانون های تمدن ها دانش فرهنگ، ادیان آیین ها در دو قارهٔ بزرگ دنیا یعنی آسیا و اروپا به وجود آمده است. دراین قاره ادیان، فرهنگ، تاریخ و ادبیات مختلف وجود داشت و با ظهور اسلام چه تحولاتی درجوامع انسانی به میان آمد. یونان قدیم از لحاظ فکر و فلسفه و دانش، روم از لحاظ قدرت و قوت نظامی از پایگاه های مهم آن روزگار بود. یونان قدیم مهد تفکر فلسفی بود. این مرکز تمدن نگاه هاشان قبل از میلاد پیامبر اسلام نسبت به انسان نگاه غیر انسانی بود. انسان در فلسفهٔ یونانی مقام شایستهٔ خود را نداشت و نه هم در امپراتوری رومی که بیشترمبتنی برقدرت قهریه بود، جایگاهی داشت. از لحاظ طبقه بندی یونان قدیم طوری بود که به زن ها ارزش انسانی قایل نبودندو انسان ها به طبقات مختلف تقسیم شده بودند. در روم نیز به همان شکل انسان ها به هم عنوان وسیلهٔ تفریح و خوشگذرانی قدرتمندان روم بود.

در میدان های ورزشی انسان ها علیه یکدیگر با مبارزات خشن تشجیع و سوق داده می شدند و یکدیگرخود را به صورت بسیار بیرحمانه می کشتند. انسان ها را باحیوانات درنده می جنگاندند و انسان آلهٔ ساعت تیری شان بود. در تمدن ساسانی در ایران به عین شکل بودند. انسان ها وسیلهٔ خوشگذرانی امپراطوران و شاهان سلسلهٔ ساسانی بود. در هندوستان به عین شکل که طبقه بندی انسان به عنوان برهمن های مذهبی در رأس و سومرها به عنوان طبقهٔ بسیار محروم و مظلوم در طبقه بندی دینی و فرهنگی هندوها قرار داشت.

در جزیره العرب که تمدن های سبا وعرب وجود داشت، ما می بینیم برای انسان ها ارزشی قایل نبودند. انسان به عنوان برده وغلام در چنگال ستمکاران و اربابان زمان قرارداشت. از حقوق زنان هیچ خبری نبود، زنان ودختران را زنده بگور می کردند. در چنین اوضاع و احوالی که انسان نه درتمدن دینی ، فکری و فلسفی و نه در نظام های سیاسی ارزشی نداشت، پیامبرگرامی نخستین پیام آسمانی را به مردم عرضه کرد، که پیام رحمت بود. چنانچه خداوند متعال می فرماید: "ما تو را رحمت فرستادیم برای همه جهانیان.

این جاست که تحولی در زندگی انسان ها به میان آمد. انسان هایی مانند ابوجهل و ابولهب ...که هیچ نوع رحم و عاطفهٔ انسانی در ضمیر شان نبود، اسلام چگونه با آنها برخورد کرد و این گونه انسان ها را که با انسانیت از در بردگی و ظلم و تعدی پیش می رفتند ود ختران خود را زنده بگور می کردند، پیامبر اسلام انسان های نیک سرشت ساخت. داستان معروفی از حضرت عمر وجود دارد، او روزی در یک مجلس تبسم کرد و سپس اشک هایش ریخت. کسی از او پرسید یا امیر المؤمنین: علت خنده و گریان شما در این مجلس چه بود؟ فرمود که علت خنده ام این بود که ما در زمان جهالت چه انسان های ساده و احمقی بودیم و تفکرجاهلی ما تا چه حد ما را احمق کرده بود که وقتی در سفرمی رفتیم، توشهٔ خود را (تلخان گندم) را درپیش روی می گذاشتیم و از او کمک و مدد می خواستیم و زمانی که گرسنه می شدیم قطعه یی از آن را می کندیم و می خوردیم، خنده ام به این علت بود وعلت گریه ام این است که روزی دخترم جوان شده بود مطابق عادت جهالیت برای مادرش گفتم کالایش را بپوشان و سر و صورتش را تمیزکن، از قبل برایش قبری را آماده کرده بودم، دخترم که خبر شد او را به جایی می برم از خوشحالی به هرطرف می پرید و از من می پرسید که پدر جان مرا به کجا می برید؟ اما چیزی برایش نگفتم تا این که به آن حفره رسیدم و با تمام قساوت و بیرحمی وی را در آن پرتاب کردم. زمانی که او به من پدرجان خطاب می کرد، صدایش قلبم را تکان داد اما من سنگ و خاک را بالایش ریختم. اما بعد از اسلام عمر حتی با شکستن پای بزی احساس مسؤولیت می کرد.

پیره زنانی که در راه می رفتند، پیامبر(ص) دست آنهارا می گرفت و به همراه خود می برد و همراهی شان می کرد. این ها همه می آموزاندکه شما به زنان وکودکان ترحم وشفقت داشته باشید. پیامبر فرموده است: "از جملهٔ امت من نیست کسانی که به بزرگان احترام نکنند وبه خردسالان شفقت ومهربانی نداشته باشند".

این یک حقیقت است که انسان ها بیشتر از دست همنوعان شان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. ضرر طبیعت کمتر است نسبت به ضرر و آزار انسان ها. اگر انسانی در مقابل یک حیوان درنده قرار بگیرد می تواند با وسایل او را دفع کند، اما در برابر همنوع خود به مشکل مواجه می شود. انسان بمب اتم وسلاح های کشتار جمعی را به خاطر چه می سازد؟ کشورها و دولت ها [illegible] شان همیش دنبال چه هستند؟ تشویش شان این است که کشور مسلحی بالای ما حمله نکند، و در این فکر می باشند که برای نابودی دیگران آمادگی های لازم را داشته باشند. بناءً دغدغهٔ انسان از انسان است، از همین رو اسلام تأکید می کند باید اولین تحول در انسان به میان بیاید. خداوند می فرماید: "هیچ تحولی درجامعه به میان نمی آید تا تحول در انسان به وجود نیاید".

بزرگترین هدف پیامبر اصلاح انسان بود و انسان های صالح بودند که تحول بزرگی به میان آورند.

تمدن هایی که در جزیره العرب بود، مانند تمدن تمدن های سبا حضرموت و... این ها تمدن های طاغوتی و دیدگاه شان نسبت به انسان ظالمانه بود. اما وقتی اسلام آمد برای انسان حقوق قایل شد سیستم شورا و مشوره را به میان آورد و آزادی های انسانی رواج داد.

انسان های شتر چران و بدوی متحول می شوند و به انسان های فاضل وکارا و حتی به بزرگترین آدم های تاریخ تبدیل می شوند. یکی از این ها ربیع بن عامر است، او یک انسان بدوی بود، حضرت عمر او را به دربار ساسانیان می فرستد، ساسانیان در آن زمان با عظمت و برقدرت بودند، این بدوی زمانی که به دربار ساسانیان می رود، از یک وجاهت و موقف بلندی حرف می زند که همهٔ کاخ نشینان را بهت زده می سازد. می گوید ما انسان های دیروز نیستیم، ما را امروز خداوند مأمورساخته است تا انسان ها را از بندگی بندگان نجات بدهیم و به سوی بندگی خدا فرا بخوانیم و منجیان بشریت هستیم.

میلاد پیامبرحد و فاصلهیی است که در میان دوتحول و مرحلهٔ زندگی بشری، مرحلهٔ جهل و جنگ و ستیز و ظلم و بدبختی و مرحلهٔ علم و دانش، عقلانیت و خرد و مدارا و مساوات و برابری و برادری.

وقتی تاریخ بعد ازاسلام را می خوانیم، عالمی از معانی جدید و معارف جدید در این دوران پدید آمده است. دانش انسانی پالش داده می شود، نظام های استبدادی یکی بعد از دیگری سقوط می کند، تفکر و عقلانیت سیر حقیقی خود را می پیماید، انسان ها روش های رفتاری خود را تغییر می دهند، احساس آزادی و آزادی خواهی در جهان ظهور می کند.

تمام اعلامیه هایی که به نام حقوق انسان معاصر به میان آمده است این ها متأثر از تعالیم والای اسلام است. اسلام این مفاهیم را به صورت مکمل در بطن خود داشته است.

در شرایطی که اعلامیهٔ حقوق بشر به نشر رسید بسیاری از انسان ها از حقوق خود [illegible] هنوز هم محروم هستند. ما می بینیم که قدرت های استعمارگر با وجودی که خودشان طرفدار اعلامیهٔ حقوق بشر بودند، اگر تاحدی این اعلامیه را در کشورهای خود مراعات می کردند، در کشورهای دیگر تطبیق نمی کردند، تا همین اواخر در ایالات متحدهٔ امریکا به سیاه پوستان به دیدهٔ حقارت می نگریستند و در تابلوها ی هوتل ومغازه ها نوشته می کردند که: در این جا سگ و سیاه پوست داخل شده نمی تواند.

اما تمدن اسلامی تمدنی نیست که به زور نهادینه شده باشد، بلکه راه خود را در ضمیر و در درون انسان ها به عنوان یک تفکر معقول و پسندیده باز کرد.زمانی که حکم حرمت شراب صادر شد، بدون این که پلیسی در کار باشد مردم همه ظروف شراب را شکستاندند. اما امروز ما بینیم که این فرمان در کشورهای غربی بار بار صادر شد ولی نتوانستند آن را عملی بسازند.

امروز که شما نسل جوان در برابرتحولات جدید در وطن تان قرار دارید، بهترین وسیله یی که بتواند حیثیت، آبرو و عزت فردی و اجتماعی شما را حفظ کند، تمسک به اخلاق و هدایات پیامبر (ص) است. چنانچه خداوند متعال فرموده است:" کسانی که خدا و سعادت دنیا و آخرت را می خواهند باید به سیرت و روش پیامبر چنگ بزنند و بهترین الگو برای هر فرد مسلمان است".

همچنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به خاطر نجات مسلمانان فرموده است: "دو چیز را برای شما مسلمانان گذاشتم اگر به آن تمسک جویید هرگزگمراه نمی شوید و آن عبارت از کتاب خدا: قرآن کریم و سنتم یعنی راه و روش من است".

من هم برای شما توصیه می کنم که کتاب های سیرت را بسیار زیاد بخوانید. در این کتاب ها شما جهانی از خوشبختی وعظمت ها را پیدا می کنید. می بینید که پیامبر دوران کودکی و جوانی را چگونه سپری کرده است. کارهایی را که امروز برخی به نام خدمات اجتماعی در جهان مسلمان و غیرمسلمان برای مردم عرضه می کنند، رسول اکرم (ص) در دوران جوانی شان از این گونه قضایا بدور نبوده است. چنانچه روزی، تعدادی از جوانان در مکهٔ مکرمه جمع شده تصمیم گرفتند که ما باید از انسان های مظلوم و درماندهٔ شهرمان، حمایت و دفاع بکنیم. رسول الله به محضی که خبرشدند در منزل یکی از این جوانان که عبدالله بن جلان نام داشت، رفتند و در تعهدی که جوانان برای انجام خدمات انسانی کرده بودند، شریک شدند.

همچنان پیامبر خدا بعد از این که به پیامبری معبوث شدند، گفتند: قسم به خدا اگر بار دیگر [illegible] مؤسسه یی تأسیس شود، در آن [illegible] عضویت آن را [illegible] می کنم. منظور پیامبر این است که [illegible] می گوید مجموعه یی که اگر مسلمان هم نیستند اما کار خیر را انجام می دهند من خود را با آنها شریک می سازم.

رسول اکرم راجع به ساختارهای دولت و ملت سازی دیدگاه هایی دارند و می گویند برای این که بر این ساختارها برسیم باید افراد جامعه در بین خود محبت و دوستی داشته باشند. بناءً شما نسل جوان متوجه بوده باشید! یکی ازکسانی که در روز قیامت در زیر سایهٔ خدا هستند دو جوانی هستند که با هم پیمان دوستی و محبت برای رضای خدا می بندند. بدون شک دوستی و مهربانی ظلم و بیرحمی و بی عدالتی را از بین می برد.

پیامبراکرم (ص) برای فشرده ساختن ملت فرموده است: "همهٔ شما از آدم هستید و آدم از خاک است، فرق بین عرب وعجم نیست مگر به تقوی و پرهیزگاری".

امروز مشکلات اپارتاید و مسایل نژادی که وجود دارد همه ناشی از همین خود خواهی های انسان هاست و رسول اکرم این گونه تبعض ها را رد می کند و همهٔ را به عنوان انسان می بیند، تنها فرق آنها در نزد خدا به تقوی و پرهیزگاری آنهاست.

روزی رسول الله (ص) نشسته بودند، جنازهٔ یهودی از آن جا می گذشت، به احترام وی حضرت به پا خاستند یارانش پرسیدند که یا رسول الله این جنازهٔ یک یهودی است. فرمودند: انسان است و انسان مکرم و محترم است.

امیدوار هستم که شما نسل جوان با یک تعهد در برابر خدا و پیامبرتان یک تحول عمده را هم در خودتان و هم در جامعهٔ تان به وجود بیاورید و پیام نوی را به دنیا ابلاغ بکنید.

اقول قولی هذا و استغفرالله لی و لکم و لسایرالمسلمین.

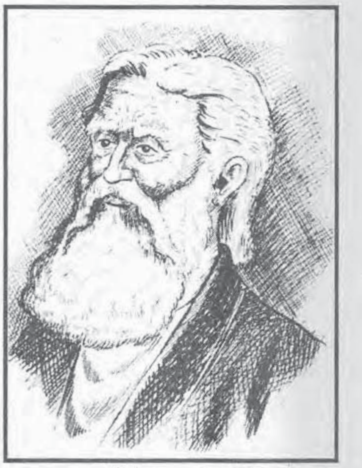
اما تمدن اسلامی تمدنی نیست که به زور نهادینه شده باشد، بلکه راه خود را در ضمیر و در درون انسان ها به عنوان یک تفکر معقول و پسندیده باز کرد.زمانی که حکم حرمت شراب صادر شد، بدون این که پلیسی در کار باشد مردم همه ظروف شراب را شکستاندند. اما امروز ما بینیم که این فرمان در کشورهای غربی بار بار صادر شد ولی نتوانستند آن را عملی بسازند.

***

رسول اکرم راجع به ساختارهای دولت و ملت سازی دیدگاه هایی دارند و می گویند برای این که بر این ساختارها برسیم باید افراد جامعه در بین خود محبت و دوستی داشته باشند. بناءً شما نسل جوان متوجه بوده باشید! یکی از کسانی که در روز قیامت در زیر سایهٔ خدا هستند دو جوانی هستند که با هم پیمان دوستی و محبت برای رضای خدا می بندند. بدون شک دوستی و مهربانی ظلم و بیرحمی و بی عدالتی را از بین می برد.

له دوریش عبدالرحمان بابا سره هم دښمني؟!!

شفیق



تیره اونۍ د سرحد ایالت په پېښور کې، د هزار خوانۍ (ګنج) په مشهوره هدیره کې د پښتو ژبې نومیالي، عارف، صوفي او خوږ ژبي شاعر عبدالرحمان بابا مزار د یوې چاودنې په ترڅ کې د علم، ادب او پښتنو دښمنانو لخوا والوزول شو.

چې ورسره سم په ښکته او پورته پښتونخوا کې دغه ناوړه عمل د مختلفو ټولنو، لیکوالانو، شاعرانو او د ادب د مینه والو لخوا په کلکه وغندل شو. او دغه ټولو د عبدالرحمن بابا په مزار کړای شوې چاودنه نه یوازې د رحمان بابا په مزار، بلکې د خورې ورې پښتونخوا په کلتور، ارزښتونو او ټولو پښتنو یرغل وګڼه. او د سیمې له چارواکو او په ځانګړې توګه د پښتونخوا په ایالت کې له واکمنانو څخه یې غوښتنه وکړه چې د پېښې عاملین ونیسي او له عبرته ډکه سزا ورکړي.

په افغانستان کې هم یو شمیر چارواکو دغه ناوړه عمل په سخته وغانده او د پښتو لپاره یې یو د خطر زنګ وګڼلو.

تر دامهاله چې په سیمه کې د ناامنۍ اوغلچکي بریدونو لړې روانه وه. نو د پولې دواړو خواوته چارواکي او حکومتي ودانۍ په نښنه کېدلې. او پدې بنیاد یې پرخلاف حملې او یا پرې بریدونه کول چې په سیمه کې د امریکا پلوي دي او یا دترهګرۍ! په نوم د روانې جګړې غټ لوري امریکا لپاره یې زمینه برابره کړېده. او ګویا د همدوې په ملاتړ د دواړو دولتونو پر مخالفینو یرغلو نه صورت نیسي چې ځمکه یې پرې اورګرځولې ده. خو پوښتنه داده چې د صوفي شاعر عبدالرحمان بابا ګناه څه ده؟ او له نن څخه شاوخوا درې پېړۍ دمخه دفن شوي دغه زاهد او خوږ ژبي شاعر دامریکا او یا دهغوې له ملاتړه څخه برخمنو دولتونو سره څه مرسته کړېده. چې آخر دهغه مزار هم نښه کړای شو؟

داهغه پوښتنه ده چې ځواب یې دلته یو څه مکث غواړي.

دسټمبر دیولسمې نیټې وروسته په سیمه کې د راپیدا شوي کړکیچ -چې د طالبانو د رژیم د نسکوریدو په نتیجه کې مینځ ته راغلې- او د بن دپریکړې د لړۍ د پرله پسې کړیو وروسته تر دامهاله د روانې جګړې یو لوری د طالبانو. او یا دکرزی دولت د مخالفینو (طالبان + دحکمتیار اسلامي حزب) مقاومت دی او دهغو د اکثرو توکمي تړاؤله پښتو سره دی او هم له بلې خوا د عبدالرحمان بابا ځانګړنې هغه څه ندي چې د دولت پرخلاف جبهه او مقاومت او په ځانګړې توګه طالبان دي ورسره دښمني وښایې: ځکه د پښتو دغه نومیالی، صوفي او خوږ ژبی شاعر د زهد او پرهېزګارۍ لاروي او یو عابد انسان ؤ. نو طالبان چې ځانونه د اسلامي شریعت غوښتونکي ګڼي، فکر نه کوم چې د داسې زاهدانو او عارفانو سره دښمني وښایې، او هغه هم بیا له مزار او قبر سره یې، خو داسې برېښي چې کوم بل داسې زیرک دښمن شته دی چې نه غواړي د سیمې د دواړو لورو پښتنو ترمینځه د دوستۍ او باور اړیکې موجودې وي. او غواړي چې د پولې دواړو لورو ولسونو او په مجموع کې د پښتنو ترمینځه بې باوري او نوی کړکیچ رامینځته کړي. پدې وروستیو کې د عبدالرحمن بابا په مزار چاودنه او ورپسې نږدې یوه اونۍ وروسته په کندهار کې د جاوید احمد په نوم د یو داسې ژورنالیست د نامعلومو کسانو لخوا وژنه یو بل ته ورته پېښې دي: ځکه د رسنیو د معلوماتو له مخې د نوموړي ژورنالیست وژنه. د طالبانو لخوا غندل شوې ده او بیا په داسې حال کې چې دغه ژورنالیست د نږدې یو نیم کال په شاوخوا کې د امریکینو سره د باګرام په هوایې ډګر کې په دې تورېندي هم ؤ چې د مخالفینو سره یې اړیکې لرلې: نو د دغه دواړو پېښو په هکله بېلابېل ګومانونه ذهن ته راځي او په سیمه کې دا ډول کړنې د ناامنۍ او بې باورۍ د فضا د رامینځ ته کولو هغه هڅې دي چې د افغان ولس دښمنان یې په کار اچوي.

په دې مناسبت دلته غواړو چې د پښتو د مشهور صوفي شاعر عبدالرحمان بابا په ژوند هم څه ولیکو:

د پښتو ژبې دغه نومیالي عارف او صوفي شاعر د عبدالستار زوی په ختمه مومند او په (۱۰۴۲) هـ.ق کال د پېښور ښارته نږدې به بهادر نومي کلي کې زېږیدلی ؤ.

که څه هم د هغه له زیات ټولنیز مقبولیت او ادبي شهرت سره سره یې د ژوندانه په اړه. هر اړخیز معلومات ډېر نشته. خو د خلکو ترمینځه د شفاهي روایاتو له مخې او د هغه د ژوند زمانې ته د نږدې لیکوال محمد هوتک د کتاب (پټه خزانه) له مخې دا جوتیږي چې عبدالرحمان بابا د فقهې او تصوف کتابونه په پېښور کې له ملامحمد یوسفزي څخه لوستي ؤ او بیا د نورو علومو د زده کړې لپاره د کوهاټ سیمې ته تللی ؤ.

عبدالرحمن بابا په خپلو اشعارو کې د خپل ژوندانه د حالاتو په هکله ډېرې څرګندونې ندی کړي البته په اړه یې راغلي چې نوموړی عارف شاعر د ځوانۍ له وخته یو پرهیزګار او عابد انسان ؤ او په دې هکله د هغه خپل شعرونه د هغه د متدین او زاهد شخصیت د پېژندلو ښه هنداره ده: په اشعارو کې یې دیني، اخلاقي، ټولنیز او نور مسایل نغښتي دي. عبدالرحمن بابا په پښتو شاعرۍ کې ځانته ځانګړې لاره او مقام لرلو چې له هغه وروسته ډېر شاعران د هغه په لاره تللي دي.

دغه نومیالي شاعر په خپلو اشعارو کې د خپل وخت د ځینو پښتنو او نورو ژبو د شاعرانو، یادونې کړې دي، لکه: د میرزا خان انصاري، خوشحال ختک او همدارنګه یې د سنایي غزنوي، حافظ شیرازي او نورو نومونه اخستي دي

د عبدالرحمان بابا په شاعرۍ کې د الله جل جلاله او د هغه د خوږ پیغمبر رسول الله صلي الله علیه وسلم مینه پرته ده او په اشعارو کې یې د زهد او عبادت په لوري د پند، ننګ، لوړ همت، قناعت، سخاوت، زیار او انسان دوستۍ پیغامونه لیدل کیږي او له اشعارو څخه یې جوتیږي چې دغه ستر شاعر یو ټولنیز مصلح او دعوتګر چې او د ټولنې هوساینه او نېکمرغي یې غوښتله.

د عبدالرحمان بابا شاعري ډېره پراخه او عامه ده، د ژوندانه په ټولو ابعادویې رڼا اچولې، او د هر عمر او هر مزاج د څښتن لپاره په کې برخه او ګلونه شته دی: له همدې لامله چې د عبدالرحمان بابا اشعار عام فهمه او پراخ لوري دي نو په پښتنو کې یې شعري دیوان د مقبولیت یو ځانګړی مقام پیدا کړی دی.

د عبدالرحمان بابا اشعار د هر چا ذوقي تنده ماتوي، د خپل شعر په اړه په یو ځای کې وایي:

[چې منکر پرې اعتراض کولی نشي
دا دې شعر دی و رحمانه که اعجاز]

عبدالرحمان بابا په (۱۱۲۸)هـ.ق کال له دې فاني دنیا څخه سترګې پټې کړې او د پېښور د هزار خانۍ په هدیره کې چې دا مهال د ګنج په هدیره شهرت لري . خاورو ته سپارل شوی دی.

د نوموړي صوفي شاعر قبر د افغانستان د پښتو ټولنې لخوا په (۱۳۳۶)هـ.ش کال جوړ شوی ؤ چې څو ورځې د مخه د پښتنو دښمنانو یې په قبر ولاړ مزار ته د یوې چاودنې په وسیله انفجار ورکړ او د خپلې دښمنۍ غچ یې له شاعر او درویش عبدالرحمان بابا څخه واخسته.

هومره خلک یې وزیارت کا پس له مرګه
چې بازار وي په مزار د درویشانو

دلته غواړو د عبدالرحمان بابا له اشعارو څخه یوه نمونه رانقل کړو چې د هغه د دغه صوفیانه غزل انتخاب مو کړی دی:

که څوک لاس له سوده وکاړي زیان نشته
په ملنګ باندې قلنګ او تاوان نشته
د وفا خریداران دې بل خوا درومي
دا متاع د زمانې په دوکان نشته
جدایي له اشنایي نه پیدا کیږي
نا اشنا لره هیڅ غم د هجران نشته
مګر ځان و خدای (ج) ته پاسلي په امان شي
ګنه بل خوا ته دهیچا امان نشته
هغه یار به زه وکومه خواته غواړم
چې یې هیچرې منزل او مکان نشته
دلبران که هر څو ډېر دي په جهان کې
زما یار غوندې دلبر په جهان نشته
چې هم قد لري، هم زلفې، هم سرې شونډې
دغه هسې رنګ افتاب په اسمان نشته
عشق عاشق لره یو هسې ګلستان دی
چې وباغ وته یې لار د خزان نشته
عاشقان په عشق کې واړه سلطانان دي
په دا ښار کې نېستګار او ناتوان نشته
که مجنون غوندې په عشق کې څوک صادق شي
د لیلی په دروازه کې دربان نشته
دانایان به د رحمان په قال پوهیږي
دلته کار د هر نا اهل و نادان نشته

بازتاب نوروز در شعر شاعران

چون سپرم نه میان بزم به نوروز
در مه بهمن بیار و جان عدو سوز
رودکی

گرفت ازماه فروردین جهان فر
چو فردوس برین شد هفت کشور
عنصری

وقت آن است که مردم ره صحرا گیرند
خاصه اکنون که بهار آمد و فروردین است
سعدی

به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
فردوسی

همی گفت هرکس کز ایدر مرو
چو رفتی کهن گردد این روز نو
فردوسی

آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی فراز
کامکارا کار گیتی تازه از سر گیر باز
منوچهری

نوروز و گل و نبید چون زنگ
ما شاد و به سبزه کرده آهنگ
عماره

به نوروز چون برنشستی به تخت
به نزدیک او موبد نیکبخت
فردوسی

هم آتش بمردی به آتشکده
شدی تیره نوروز و جشن سده
فردوسی

چو خورشید برزد سر از پشت زاغ
جهان شد از او همچو نوروز باغ
فردوسی

نوروز بزرگ آمد آرایش عالم
میراث به نزدیک ملوک عجم از جم
عنصری

نوروز روزگار نشاط است و ایمنی
پوشیده ابر دشت به دیبای ارمنی
منوچهری

ندیدی به نوروز گشته به صحرا
به عیوق ماننده لالهٔ طری را
ناصرخسرو

نوروز به از مهرگان اگرچه
هر دو دو زمانند اعتدالی
ناصرخسرو

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
خیام

روز نوروز همی گفتم با من باشی
ای همه روزه چو نوروز دلفروز پدر
سوزنی

طبع مراست جان تهی تحفه سخن
نوروز راست جان تهی باد نوبهار
خاقانی

خیز به شمشیر صبح سر بُبر این مرغ را
تحفه نوروز ساز پیش شه کامیاب
خاقانی

ز بس نارنج ونار مجلس افروز
شده در حقه بازی باد نوروز
نظامی

جمالش باد دایم مجلس افروز
شبش مواج باد و روز نوروز
نظامی

آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار
هر گیاهی که به نوروز نجنبد حطب است
سعدی

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز
زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز
منوچهری

نوروز فرخ آمد و بوی بهار داد
بوی بهار مژدهٔ زلفین یار داد
ظهیر فاریابی

در پرده نوروز بدین وزن غزل گفت وزنی
که همه مطلع فتح و ظفر آمد
سوزنی

در حاشیهٔ تجلیل از بهار

عبدالقیوم ملکزاد



سال که گذشت:

سالی که گذشت، در خونین دیاری به نام افغانستان، سال تلخ و فاجعه باری بود. سال انفخارات مرگبار، سال آبستن مصایب، آلا م و دردهای بیشمار، سال خشونت ودهشت افگنی و سال به خون تپیدن صدها انسان مظلوم وبیگناه ...!

سالی که با وصف موجودیت یکصد و پنجاه هزار نیروی امنیتی خارجی، در پهلوی هزاران نیروی امنیتی خودی، از حوادث تلخ ودلخراشی به حساب می رفت که پیامدش همه غم بود و سراسر ماتم و یک قلم اشک وناله و فریاد....!

.... فکر احیای سنت پیشینیان:

در واپسین روزهایی که نسخه گردون از کهنگی ها ورق می گشتانده خواستیم با تحویل سال و آمد آمد فصل خوشگوار بهار، بر آن شویم تا باری یا دو خاطرهٔ پیشینیان را در ذهن برویانیم. رسم روزگار لطف انگیزی که حین جوشش زمزمهٔ دل انگیز رویش فصل بهار، خنیاگران برکف چنگ و دف و سخن سازان در دست خامه می گرفتند تا به ستایش عروس جلوه پرداز طبیعت بپردازند وبه پیشواز پذیرایی از بهار بروند.

گویند، نخستین بهاریه مشهور، به ابوعبدالله رودکی نسبت دارد، که مطلع سرودهٔ شورانگیز او– که سراپا در وصف بهار می باشد– این چنین آغاز یافته است:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
با صد هزار نزهت و آرایش عجیب
شاید که مرد پیر بدین گه شود جوان
گیتی بدیل یافت شباب از پس مشیب

"پس از آنکه شاعران فراخوان نیای خود را اجابت می کنند و ساقیان جامهای عقیقی سرشار از خون دل دختران پاک را بین آنان می گردانند و با گل و مُل و نُقل و شیرینی از ایشان پذیرایی می کنند، نوبت به " رابعهٔ قزداری" می رسد و او در وصف بهار چنین می سراید":

زبس گل که در باغ ماوی گرفت
چمن رنگ ارژنگ مانی گرفت
مگر چشم مجنون به ابر اندرست؟
که گل رنگ رخسار لیلی گرفت

به دنبال آن شاعرهٔ بلخی، سخندانان دیگری چون: دقیقی بلخی، ابوالقاسم فردوسی، و عنصری، منوچهر دامغانی، اسدی طوسی، مسعود سعد سلمان، ناصرخسروبلخی، ابوالفرج رونی، عمرخیام نیشاپوری، شر ف الدین شفروه، مولانا جلال الدین محمد بلخی و متعاقباً شیخ سعدی و حافظ شیرازی و ... به این سنت و روش حسنه پرداخته اند.

امید ها بر آن بود که با آمدن بهار، سختی های سال قبل، و خاطرات تلخ به جا مانده از آن، از د ل و دماغ مردم غم خستهٔ این دیار نیز رخت بر بندد. اما از آن جایی که متاسفانه میزان ارادت عدهٔ زیادی نسبت به پیامبر رحمت صلی الله علیه وسلم کم رنگ شده و خطوط وهم آلود ترسیم شدهٔ برخی از اندیشه های ناپاک، با خط و آئین آن اسوه حسنه همسانی ندارد....، لذا، به مصداق:

زین محیط از هرزه تازی ها چو موج
می برد خلقی شکست خود به دوش

آغاز سال گذشته– طوری که مشاهده گردید– با وصف بارش سنگین برف عاری از طراوت و تازگی و شادابی می نمود.

به این مفهوم: هنوزچند روزی از ورود بهار نگذشته بود که، با دریغ فراوان از هر گوشه و کنار این آزاد بوم فریاد برخاست که: اکنون تمامی مزارع کشور و چشمه ساران را، آفتی به نام خشکسالی تهدید می کند.

تهدید خشکسالی ودریغ آسمان از گریه بر سر کشتزاران، برای مردم زنگ هوشداری بود از نیکو نبودن سال! سال نیکو را می توانند از بهارش دریابند.

آرزوی داشتن سال نیکو در طلوع سبز تحویل سال وجلوهٔ صبحگاه اول بهار، مستلزم آنست که انسان نا توان از صمیم قلب و با کمال خشوع دست برای دعا بر درگاه خدا فراز کند وبخواند:

یا مقلب القلوب والابصار/ یا مدبر اللیل و النهار

یا محول الحول والاحول/ حول حالنا الی احسن الحال

اما سوال این جا بود که آیا دست ها با کمال عجز و فروتنی به سوی خدا بلندگردید؟ و آیا نیایشی برای کسب معنویت و بهترشدن اوضاع و احوال بر لب ها و زبان ها شکفت و ..؟

اگر صادقانه گفته اید، این دعا جز در زبان عدهٔ محدودی نروید و لب ها و قلب ها را پرتوی از این زمزمهٔ روحبخش بر نتافت و صدایی به گوش ها نچکید که گفته آید:

روز ها فکرمن این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود
به کجا می روم آخر ننمایی وطنم...

مگر نه چنان است، شرط تغییر اوضاع و حالات اجتماعی– چنانکه قرآن اشاره می فرماید– مستلزم تغییر اعمال و حرکات انسان های وابسته به آن اجتماع است و یا خواستن صفات و سجایایی چون اخلاق نیکو، پرهیزگاری، دانایی، نوع پروری، جوانمردی، فداکاری، پایداری در راه هدف، دوری از شرو فساد، سیرساختن گرسنگان، و پسندیدن آنچه برخود می پسندی بردیگران...؟

در حدیثی آمده است:

"هیچکس شما مومن کامل شده نمی تواند تا چیزی را که برای خود پسندد، آنرا برای برادر خود نیز دوست بدارد."

در حدیثی دیگری به روایت(امام بخاری و امام مسلم رح) چنین آمده است:

" مومنان در مهربانی و دوستی و عاطفه باهمی شان به مانند جسد واحد می نگری که وقتی عضوی نا آرام شد، دیگر اعضا نیز به تکلیف و ناآرامی دچار می شوند."

هدف از دعای تحویل سال:

هدف از خواندن دعای تحویل سال– تنها طوطی وار به جاری کردن آن دعا(یا منقلب القلوب و الابصار/ یا مدبراللیل و النهار...) بر زبان ها نیست، بلکه خود را عملاً مصداق آن دعا قرار دادن و با خدا بودن ودرهمه حالات یاد او کردن و به فرموده های آن ذات یگانه و توانا و پیامبرگرامی اش گردن نهادن است، تا حضرتش شرایط بهتری را برای بنده گان مهیا سازد و مصایبی نظیرخشکسالی و بی امنی و مشکلات گوناگون دیگر را، از کشور دور فرماید.

زیرا مومن واقعی به این مساله اعتقاد راسخ دارد که استغفار و ترک گناه باعث توسعه مادی وعمران و آبادی و متقابلاً هرگونه نا فرمانی خدا و ظلم به دیگران عامل فقر وفلاکت و بدبختی می گردد. با این شاخص بسیاری از کسانی که چون می نگرند در زندگی مادی دچار گرفتاری های متعدد هستند، اعمال و رفتار خود را بازنگری کرده و بانسخهٔ شفابخش قرآنکریم و هدایات گهر بار پیامبر عظیم از بیماری فقر وفلاکت و مشکلاتی که به انواع و اقسام گوناگون دست و پنجه نرم می نمایند، نجات یابند.

آری! " هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد، مگر به واسطهٔ گناهانی که انجام دادند. زیرا خداوند هرگز به بنده گانش ستم روا نمی دارد. هرگاه مردم در موقع نزول بلاها و سلب نعمت ها با صدق نیت به پیشگاه خدا تضریع کنند وبا دل های پر از اشتیاق و آگنده از مهر خدا، از او درخواست جبران نمایند، مسلما آنچه از دست شان رفته به آن ها بازمی گرداندو هرگونه مفسده یی را برای آن ها اصلاح می کند".

تاریخ انتخابات
شوخی یا جدی

همنوا

افغانستان یک کشور عجیبی است، همه چیز عجیب است، آیا نظام وجود دارد و تمام امور طبق قانون به پیش می رود و اساسا آیا قانون وجود دارد؟ قانون اساسی ما چرا واضح و روشن نیست و احکام آن چرا توسط هرمرجع طبق دلخواه تفسیر می گردد و آیا یک مرجع با صلاحیت برای تفسیر قانون وجود دارد؟

در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ صلاحیت تفسیر قانون به ستره محکمه داده شده بود، ولی در قانون ۱۳۸۳ مرجع تفسیر قانون اساسی معرفی نشده است اما رئیس جمهور مسایل مربوط به تفسیرقانون اساسی را به ستره محکمه راجع می سازد. چرا کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی تا هنوز– با گذشت پنج سال از تصویب و توشیح قانون اساسی– تشکیل نشده و چرا انتخابات ولسوالی ها برگزار نشده و ترکیب مشرانو جرگه از این بابت دچار مشکل و سوال مشروعیت است؟

چرا هنوزهم چرا ها و چگونه ها مطرح می شودو برای آن پاسخ روشنی داده نمی شودو آیا وجود ندارد؟ و چرا.....

در مورد انتخابات ریاست جمهوری نیزسوال ها وسردرگمی هایی وجود دارد که بیشتر ناشی از حکم قانون اساسی است!

ماده ۶۱ قانون اساسی کشور:

"... وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد..."

رئیس جمهور فعلی در مورد انتخابات آینده گفته است:

- فیصلهٔ کمیسیون مستقل انتخابات مبنی بر برگزاری انتخابات در ۲۹ اسد سال ۱۳۸۸ را معقول و منطقی می داند.

- یک روز حتی یک ثانیه نمی خواهد بیش تر از آنچه قانون گفته به وظیفه ادامه دهد...

- در اول جدی ۱۳۸۳ مراسم تحلیف را بجا آورد و از آن زمان دوره ریاست جمهوری او را باید محاسبه کرد...

- انتخابات باید مطابق قانون اساسی قبل از جوزای ۱۳۸۸ برگزارشود...

- چون اپوزیسیون به تاریخ ۲۹ اسد پا فشاری دارند، احترام به وفاق ملی باید همان تاریخ را بپذیریم.

- درمورد مشروعیت ریاست جمهوری بعد از اول جوزای ۱۳۸۸ با حقوقدانان مشوره کنیم.

- موضوع را به ستره محکمه راجع خواهم کرد.

- تا برگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن به کار ادامه می دهم ولی برای مشروعیت آن یک راه را پیدا خواهم کرد.

برای بعضی مبهم و حتی گیج کننده است که با اعلام ۲۹ اسد، همه مخالفان اعتراض کردند که چرا انتخابات قبل از جوزا برگزار نمی شود و چرا قانون اساسی نقض می گردد؟

ولی زمانی که رئیس جمهور اعلام کرد که قبل از جوزا انتخابات برگزار شود، باز مخالفین دولت که قبلا تاریخ ۲۹ اسد را نپذیرفته بودند، به مخالفت برخاستند و ۲۹ اسد را زمان مناسب دانستند.

درهمین حال امریکا وناتو نیز گاهی از رعایت قانون اساسی و زمانی از تاریخ اعلام شده انتخابات توسط کمیسیون حمایت کردند.

تا جایی که به مخالفین ارتباط دارد، باید گفت که اعلام رئیس جمهور مبنی بر برگزاری انتخابات، قبل از جوزای ۱۳۸۸ را جدی گرفتند و با آن به مخالفت برخاستند، در حالی که رئیس جمهور جدی نبود بلکه شوخی کرده بود!

مردم می پندارند که اپوزیسیون ها درهمه دنیا با اقدامات حکومت ها مخالفت می کنند، هر چند این اقدامات مطابق خواست خود آن ها باشد!

زمانی که ۲۹ اسد اعلام شد و همه مخالفت کردند که قانون اساسی نقض شده، پس زمانی که قبل از جوزا اعلام شد، چرا مخالفت کردند و ۲۹ اسد را محکم گرفتند؟

موضوع مهم آمادگی برای انتخابات است و همچنان رعایت احکام قانون اساسی و قانون انتخابات.

مخالفین می گویند که باید انتخابات مطابق قانون اساسی و قبل از جوزای ۸۸ برگزار می شد و همه کاندیدها آمادگی می گرفتند....

زمانی که ۲۹ اسد اعلام شد، همه فعالیت ها به تعویق افتاد و با اعلام قبل از جوزاهمه غافلگیر شدند و آمادگی نداشتند و ۲۹ اسد را مناسب دانستند.

اکنون سوال مشروعیت ادامه کار رئیس جمهور بعد از جوزای۸۸ وجود دارد و او قصد دارد تا راهی را برای حل این مشکل به صورت قانونی یا غیرقانونی پیدا کند.

در قانون اساسی همچو حالتی پیش بینی نشده است و حکومت موقت نیزنقض قانون اساسی به شمار می رود و به گمان زیاد که رئیس جمهور رو به ستره محکمه خواهد کرد و ادامه کار خود را مشروع وانمود خواهد ساخت که دراین صورت هم رئیس جمهور و هم ستره محکمه مرتکب نقض قانون خواهند شد.

به هر صورت اعلام برگزاری انتخابات در قبل از جوزای ۸۸ توسط رئیس جمهور یک شوخی بود، نه جدی.

واین مخالفین بودند که شتابزده آن را باورکردند وبه مخالفت برخاستند.

یادی از خونین روز ۲۴ حوت ۱۳۵۷

محمد اکرام اندیشمند

هرات سرزمین ماجراها حادثه ها و خاطره ها است. حماسه ها و خاطره های عظیم که با سرخط زرین و درخشان ثبت اوراق تاریخ گردیده است.

***

هرات کانون مقاومت و پایداری در برابر سیطره های نا مسلمان و ستمگر تاریخ بوده است.

هرات در طول تاریخ کشورعزیز ما سرزمین قیام و حماسه بوده است وخاصتا حماسه آفرینی های هرات قهرمان بعد از درخشش اشعه تابناک دین مقدس و بزرگ اسلام در پرتو الهامات جاویدان اندیشه های عالی و پر از ارج اسلام عزیز بیش از پیش راه خود را در بلند ترین جایگاه تاریخ آزادی و قهرمانی میهن ما گشوده است.

هرات سرزمین ماجراها حادثه ها و خاطره ها است. حماسه ها و خاطره های عظیم که با سرخط زرین و درخشان ثبت اوراق تاریخ گردیده است. خاطره تابناک و درخشان قهرمان مردان مجاهدش که در برابر متجاوز غارتگر و سیطره جو با قامت راست و آزاد ایستادند و آزادمردند، اما آزادی را نگذاشتند بمیرد.

هرات مهدعلم است وزادگاه دانشمندان تامی تاریخ کشورما. هرات گهواره فرهنگ وتمدن اسلام در مشرق زمین بوده است. محصول دست های مردان فاضل و هنرپرورش هنوز در مناره های بلند مساجد و آثار کهن تاریخی اش در انظار جلوه گری می نماید و کاوش های فاضل مردان عالمش منبع معتمد و معتبر همه مسلمین به حساب می رود شهرتاریخی وزیبای هرات در عهد سلطنت غوری ها دوازده هزار دکان و سیصد و پنجاه مدرسه وخانقاه و طعام خانه داشت که این خود منعکس کنندهٔ واقعی از پیشرفت تمدن بزرگ این سرزمین در ازمنهٔ گذشته است.

هرات سرزمین خون وشهادت است سرزمین که در هروجب خود جسد آغشته به خون رشید فرزندان مجاهدش را در آغوش دارد و درهر قدمی نقش از وحشت دشمن و خاطره یی از رشادت و ایثار گری فرزندان جهاد گرو رزمنده اش آشکار است.

هرات سرزمین اندوه ها و مصیبت هاست، مصیبت که کافران ظالم و متجاوز در طول تاریخ به این سرزمین زیبا وکهن تحمیل کرده اند. سرزمینی که در گذشته هم چند بار با همه مظاهر علم و فضل و هنرو وفرهنگ و تمدنش در آتش بیداد ستمگران متجاوزو تاراجگر سوخته است.

هرات کانون مقاومت و پایداری در برابر سیطره های نا مسلمان و ستمگر تاریخ بوده است.

مردم مجاهد و مسلمان هرات در درازهای تاریخ بار بار در معرکه های جنگ نا برابر با دشمن نیرومند و مهاجم دست و پنجه نرم کرده اند و با مقاومت و پایداری در برابر هجوم ها و ویران گری ها و تاراج های طواغیب زمان نه تنها که نام خود را بر تاریخ کشورمان جاویدانه ثبت نموده، بلک درس عبرت و سرمشق همیشگی را برای مظلومان تاریخ در دفع ظلم و تجاوز ظالمان و یغماگران از طریق قیام و مقاومت و جهاد و شهادت ارائه داشته اند.

خاطره رشادت ها و قهرمانی های مردم مجاهد هرات در برابر تهاجم و تجاوز چنگیز بزرگ ترین و بی نظیرترین خاطره هایی است که در حافظهٔ تاریخ کشور اسلامی مان جاویدانه باقی مانده است.

باشندگان شهر تاریخی هرات دلیرمردان و شیرزنان سراسر هرات با بیشترین مقاومت دربرابر تهاجم وحشتبار یک صد وسی هزار نفری چنگیز، دومیلیون و ششصد هزار تن شهید دادند، ولی از مقاومت دست نکشیدند وذلت تسلیم شدن به دشمن را هرگز نپذیرفتند.

هنوز چکاچک شمشیرهای دلیرمردان هرات در مقابل سپاهیان وحشی چنگیز که هفت صد سال از آن سپری می گردد در انظار نسل کنونی مجسم می شود.

خاطره قهرمانی های مجاهدین هرات در برابر انگریزهای متجاوز در جنگ مشهور میوند که دوازده هزار سپاه انگلیس را تارومار کردند با این رشادت و قهرمانی خود در دومین جنگ افغان وانگلیس شکست قاطع را بر متجاوزین انگلیسی وارد کردند.

در دوران ما که کشور در معرض تجاوز و تهاجم نیروهای کفر و غارتگر کمونیزم واقع شد و ملت قهرمان افغانستان باردیگر در عظیم ترین مرحلهٔ آموزن الهی و تاریخی قرار گرفتند، مردم دلیر و مجاهد هرات بازهم همچو گذشته ها با قامت راست وبلند با اراده آهنین و تصمیم تزلزل نا پذیر وارد معرکه های مقاومت ش و با متجاوزین روسی و سلطهٔ مزدوان ملحد روس شدند و بر شکوهمندی وعظمت تاریخ مجاهدت خویش افزودند.

روز ۲۴ حوت ۱۳۵۷ از روزهای مهم و پرافتخار این مجاهدت است.

این روزنه تنها از روزهای پرافتخاربرای مردم متدین وشجاع هرات در آغاز قیام خونین علیه کمونیزم وحشی به حساب می رود بلکه از جملهٔ روزهای شکوهمند و باعظمت در تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان است که در تاریخ شکوهمند انقلاب جایگاهی عالی و بلندی دارد واین روز در تاریخ امروز و فردای اسلام و امت اسلامی به مثابهٔ عظیم ترین رویدادی است که هرگز از خاطره تاریخ فراموش نخواهد شد.

در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ درست همان لحظاتی که وحشت و بیداد تره کی و امین بر سراسر کشورما سایه افگنده بود و حاکمان نا مسلمان و کافرهمجو حیوان های درنده و وحشی دیوانه وار در دروازه های هر هموطن بی گناه در قریه وشهر و مدرسه و دانشگاه ودایره و دفتر می گشودند و دست مردمان مومن و بی وسیله را با تحقیر و اذیت می بستند وکشان وکشان به زندان ها وکشتارگاه ها می بردند. درچنین لحظاتی کمتر کسی زبان جرئت صحبت کردن بر ضد رژیم الحادی کمونیزم را حتی در خفا و تنهایی داشت و کمتر فریادی علیه مظالم و بیداد نوکران استکبار سرخ بلند می گردید. اندک زمزمه یی در برابر حاکمان نا مسلمان و سفاک کمونیزم فقط زنگ خطری بود که انسان را در سلول های سیاه و هولناک زندان می کشاند و رهسپار کشتارگاه های وحشت زا می کرد که در گودال های متعفنی زنده زیرخاک می کردند.

آری! در چنین لحظات خطیر و هوسناک فریاد مردم قهرمان ودلیرهرات در ۲۴ حوت از حنجره ده ها هزارمرد وزن شجاع ومتدین این سرزمین کهن در شهر زیبای آن علیه حاکمان سفاک ووحشی کمونیزم بلند گردید و پایه های لرزان ستم بیداد الحاد کمونیزم را به شدت تکان داد قیام خونین ۲۴ حوت را اولین فریاد دسته جمعی امت اسلامی افغانستان است حکه با آواز بلند و آشکار علیه حاکمیت کفر کمونیز از حنجرهٔ مردان وزنان با شهامت وغیور هرات با مشت های گره خورده و یک پارچه سرداده شد.

قیام خونبار ۲۴ حوت بر قلب های افسرده ونا امید جوشش و حرکت آورد و چشم بی فروغ ودردمند را منور وروشن ساخت و سرآغاز جهادخونین و برحق افغانستان اسلامی علیه کمونیز ظالم وغارتگرگردید این قیام یک حرکت مقطعی و موسمی نبود که بر پایه زود گذر احساسات اوج بگیردو به زودی خاموش شود. این قیام جنبش آگاهانه، حرکت عالمانه فریاد مظلومانه و خشم انقلابی توده های وسیع مردمی بود که در پرتو ایمان وهدفمندی بی هراس ومصمم وارد صحنه شدند وبا جذبهٔ ایمان به خدا و عشق به اسلام بیش از بیست وپنج هزار تن خود را سخاوتمندانه قربانی آرمان وهدف بزرگی کردند.

از این رو این خون های مقدس وعظیم همچون دریای خروشان و زهاب توفنده یی گردید که به زودی سیلان انقلابی اش بر سراسر کشور شور وانقلاب ایجاد کرد وپایه های لرزان و بی بنیاد حاکمان کافر و کمونست را متزلزل ساخت.

ویژگی آگاهی و مکتبی بودن قیام بود که کشتارهولناک و ننگین دشمن نتوانست ارادهٔ آهنین مردم مجاهد و با شهامت هرات را متزلزل گرداند وفریاد جهاد را خفه نماید و آتش بی امان مسلسل های پاسداران کفر ستیز این دیار باستان را خاموش سازد.

اکنون قربانی های بی دریغ و فداکاری های بیکران و رنج های طاقت فرسای رزمندگان هرات وکلیه سپاهیان دلیر اسلام در کشورخونبار اسلامی مان ثمر می دهد.

درخشش شمشیر ها و آواز گلوله های مجاهد فرزندان میهن وخون های پاک گرامی شان، متجاوزین روسی را از سرزمین محبوب مان با ذلت و فضیحت بیرون راند.

په پاکستان کې، د وکیلانو او حکومت مخالف گوند ...

په توگه ورته په خپلو ځرگندونو کې اشاره کړیوه او ويلي ؤ چې دغې پريکړې په هېواد کې جمهوريت له گواښ سره مخ کړاو پرې يې خپل تاسف ځرگند کړى ؤ. چې د نوموړي دغه لومړنۍ ځرگندوني او هم دوه ورځې وړاندې د دغه هېواد د اطلاعاتو او کلتور د وزيرې "شيري رحمان" له خپلې دندې ځخه استعفاء ورکول د پاکستان د خلکو په گوند کې د يو نوي درز او اختلاف ځرگندوى دي او ښايي چې د بې نظير بوتو په مړينه د خلکو له گوند سره د پاکستان د خلکو د خواخوږۍ په نتيجه کې د گټلو انتخاباتو وروسته .چې آصف زرداري ورځخه د هغه د سياسي شعور د کمښت او د پاکستان د خلکو د وينـ له مخې. په ملکي جامه کې د ديکتاتورۍ د تگلارې د خپلولو لاملـه گټه پورته نکړاې شوه .د پاکستان د خلکو گوند هم خپل هغه قوت او خواک له لاسه ورکړي چې تر اوسه د بوټو د کورنۍ لخوا دې گوند ته په برخه ؤ او ښايي ډېر ژر دغه گوند هم لکه د مسلم ليگ په څير دوؤ ډلوته وويشل شي که حقيقت درک نکړي: حکه د اصف زرداري. د گوند مشرتابه ته د رسيدلو وروسته د مخدوم فهيم .چې د بي نظير بوتو په جلاوطنۍ کې د گوند قايمقام مشرؤ- انزوا غوره کول او هم لادمخه د اعتزاز احسن په څېر د قوي وکيل له دې گوند ځخه د خپلې لياري د جلا کولو او د وکيلانو په ننگه دودريدلو. او هم دوه ورځې دمخه د شيرى رحمان لخوا له خپلې دندې ځخه د استعفاء ورکول، د دې گوند د سياسي زوال او يووالي د ختميدو غمازي کوي

دا چې تردې له يوې اونۍ راهيسې د سترې محکمې د وروستۍ پريکړې پرخلاف د پاکستان په بېلابېلو ښارونو کې د مظاهرو لړۍ روانې وې او له څلورو ايالتونو ځخه د مدافع وکيلانو په شمول .چې اوس يې په دغه هېواد کې د يو لوى سياسي غورځنگ بڼه غوره کړې .د نواز شريف د مسلم ليگ. جمعيت اسلامي او تحريک انصاف د پلويانو مظاهرو دوام د پاکستان له حکومت ځخه وار او ليار خطا کړې ده او د هغوې د احتجاجي مظاهرو د مخنيوی په منظور يې د دې گوندونو په مشرانو. لکه نواز شريف، قاضي حسين احمد. شهباز شريف. علي احمد کرد. ظفر قبل جهگړ او

د پاکستان د خلکو گوند هم خپل هغه قوت او څواک له لاسه ورکړي چې تر اوسه د بوټو د کورنۍ لخوا دې گوند ته په برخه ؤ او ښايي ډېر ژر دغه گوند هم لکه د مسلم ليگ په څير دوؤ ډلوته وويشل شي

***

د يکشنبې په ورځ د مسلم ليگ مشر نواز شريف يې په خپل کور کې د دريو ورځو لپاره نظر بند کړی ؤ، خو نوموړي د خپلو سلگونو پلويانو په ملاتړ دغه نظر بندي ماته کړه او د لاهور په عمومي سرک يې د اسلام اباد په لوري حرکت پيل کړ

عبداللطيف آفريدي او داسې نورو باندې له خپلو کورنو ځخه په وتلو د دې لپاره بنديز لگولی او نظر بند کړى دي خو د دوشنبې په ورځ په اسلام آباد کې د سترې محکمې او پارلمان مخې ته د مظاهرې او پرلت وهلو په پراخه احتجاج کې برخه وانخلي. چې تر اوسه يې د دې گوندونو په لسگونو مشران نظر بند او بنديان کړي هم دي په سند ايالت کې درې ورځې د مخه له کراچي ځخه د مرکز په لوري د حرکت کوونکو مظاهره چيانو مخه د اردواو پوليسو لخوا نيول شوې وه خو په بلوچستان ايالت کې د کويټې په لوري د علي احمد کرد (چې د مدافع وکيلانو يو مشر دی) په قيادت کې راوتلي مظاهره چيان د کويټې ښارته راورسيدل

او د يکشنبې په ورځ د مسلم ليگ مشر نواز شريف يې په خپل کور کې د دريو ورځو لپاره نظر بند کړی ؤ. خو نوموړي د خپلو سلگونو پلويانو په ملاتړ دغه نظر بندي ماته کړه او د لاهور په عمومي سرک يې د اسلام آباد په لوري حرکت پيل کړ چې پلويان يې د پوليسو سره د اوښکو توييونکي گاز په خواب کې د ډبرو په ويشتلو سره له جگړې سره هم مخ شو او په نتيجه کې يو شمېر مظاهره چيان زخمي شوي هم دي. البته قاضي حسين احمد سره له دې چې په منصوره کې محاصره کړاى شوى ؤ. نوموړى له محاصرې ځخه په پټه خان د خپلو پلويانو سره يو ځاى د راولپنډۍ ښارته ورسولو او نور مشران لکه اعتزاز احسن عبداللطيف آفريدى. عمران خان. علي احمد کرد او ظفر اقبال د اسلام آباد په لوري د خانونو د رسولو په هڅو کې وي

سره د دې چې د اسلام آباد د حکومت لخوا په اغزن سيم باندې مهر لاک کړاى شوى خو دا مهال هم د زرگونو په شمير دولت مخالف مظاهره چيان راولپنډۍ او اسلام آباد ته ننوتي دي خو د دوشنبې په ورځ دغه مظاهره کاميابه کړې او نوازشريف په خپلو تولو پلويانو غږ کړى چې دغه محاصره (کلابندي) ماته کړئ او د دوشنبې په ورځ ټول خانونه اسلام آباد ته ورسوى. د مدافع وکيلانو او د حکومت مخالف سياسي گوندونو اوسني خوځښت په داگه کوي چې د زرداري او د خلکو گوند به د دوې مخه ډب نکړاى شي او ډېره ترډې ده چې وکيلان تردې له يونيم کال راهيسې خپله هغه غوښتنه لاس ته راوړي چې د مشرف لخوا د لرې کړاى شوو قاضيانو په خپلو څوکيو باندې د بېرته برحال کولو لپاره يې کوي

د وروستيو اطلاعاتو له مخې د دوشنبې په ورځ سهار وختي د پاکستان لومړي وزير د وکيلانو و حکومت مخالف سياسي گوندونو غوښتني ته مثبت ځواب وويلو او د يو عاجل خطاب له لياري يې وکيلانو او هغه گوندونوته د قاضيانو په خپلو څوکيو د فعال کولو وعده ورکړه او په دې ترتيب وروستى کړکيچ د حکومت مخالفو گوندونو او وکيلانو په گټه او د زرداري په ماتى تمه شو



به پیشواز جشن نوروز

ثـامـر

زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
(حافظ)

از مراسم برجسته و مهم نوروزی در افغانستان که به شکوهمندی اول بهار می افزاید و همه ساله آن را در یادها زنده تر نگهُمیدارد، نه تنها تعدادی از مردم افغانستان از گوشه و کنار کشور می شتابند بلکه، هواخواهان از کشورهای همسایه نیز اشتراک می نمایند، همانا برگزاری **میلهٔ گل سرخ** در شهر مزارشریف است.

گفتنی است، براساس توافقاتی که قبلا" بین مقامات سه کشور همسایه وهم فرهنگ افغانستان ، ایران وتاجیکستان صورت گرفته است، مراسم جشن باستانی نوروز درسال ۱۳۸۸ هجری خورشیدی به صورت مشترک درولایت باستانی بلخ برگزار می گردد وقراراست دراین مراسم از سایرکشورها، از جمله کشورهای عضو ایکو واتحادیه اروپا نیزمیهمانانی شرکت نمایند. معتقدیم که تجلیل و برگزاری باشکوه آن گامی باشد در جهت حفظ هویت فرهنگی و تاریخی مردم و کشورما.

جشن نوروز از جمله جشن های بزرگی است که از روزگاران قدیم در نخستین روز، از نخستین ماه سال خورشیدی، آنگاه که روز و شب برابر گردد، آغاز و آن را به نام های مختلف، جشن بهار و میلهٔ دهقان نامیده اند. از نوروز در افغانستان و ایران و تاجکستان و شماری کشورهای دیگر با پیشینهٔ طولانی از سالیان متمادی تا حال بزرگ داشته می شود. و این جشن ریشه در اعماق تاریخ چندین هزار ساله داشته، بنا بر قدامت تاریخی، گاهی با افسانه ها و اسطوره ها گره خورده است.

شماری از دانشمندان و پژوهشگران آن را به (یما) و یا (جمشید) شاه بزرگ بلخ یا بخدی و باختر نسبت می دهند و معتقد اند که این جمشید پادشاهی پیشدادی بوده که نوروز باستانی را برای بار اول برگزار نموده و آن مصادف با جلوس او برتخت پادشاهی بوده است. جمشید، آیین قدیم را که در اثر ترویج ستاره پرستی متروک گردیده بود دوباره احیا و اشاعه نمود. احیای آیین قدیم کاری خیلی بزرگ به نظر آمد و آن روز را که روز تازهٔ بود، جشن عظیم برپا کردند.

فردوسی اندرین باره گوید:

چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

مقارنت نوروز با جوانی طبیعت و رایج شدن تدریجی آن در درازای تاریخ و گسترش دامنهٔ آن در سراسر خلافت نشین اسلامی، نوروز را مورد توجه و احترام خلفا قرار داد. به ویژه که آیین های گشایش خراج و باج در همین روز صورت می گرفت.

تجدید دیدار با خویشاوندان و اقارب، زدودن کدورت ها، آشتی کردن، معذرت خواستن و نادم بودن از عملکردهای زشت و ناروا در برابر یکدیگر و امثال این ها را در روزهای عیدین و سال نو بیشتر از دیگر اوقات، میتوان دریافت کرد.

نخستین باری که نوروز در دورهٔ اسلام شکوه و بزرگی خود را باز یافت، دورهٔ اول عصر عباسی بود، که از جمله جشن های عمومی بشمار رفت. هنگامی که مردم خراسان قدیم دین مقدس اسلام را پذیرفتند بنا بر تداول تقویم قمری که مبداء خود را از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می گرفت، آغاز سال ماهتابی به محرم الحرام برابر می شد و نخستین دههٔ آن، روزهای سوگ و ماتم بود، لذا مناسبتی با سرور و شادی نداشت، از همین رو نوروز مدتی از شکوه پارینه اش افتاد، هرچند بکلی متروک نشد، اما با جلوس جلال الدین ملکشاه سلجوقی (۳۷۵) برتخت پادشاهی، روز اول حمل - که روز تکیه زدن او بر اریکهٔ سلطنت بود، به پیشنهاد دانشمندان جشن گرفته شد و از آن روز به بعد، هرسال روز نوروز، جشن ملی و عمومی اعلان گردید.

زیباترین و دل انگیزترین وصف بهار و تهنیت جشن نوروز در اشعار شعرای عهد غزنوی همانند: فرخی، عنصری، مختاری، منوچهری و مسعود سعد سلمان و امثال ایشان دیده می شود.

این بیت از شعر مشهور بهاری فرخی، معروف است:

ازاین فرخنده فروردین و فرخ جشن نوروزی
نصیب خسرو عادل سعادت باد و پیروزی

. اکادمیسن عبدالاحمد جاوید، استاد فقید دانشگاه کابل بر این باور است که، نوروز با آن که جشن مردمی است، اما با هیچ کیش و آئینی ارتباط ندارد. به عقیدهٔ ایشان زمینهٔ مشترک معنایی با واژهٔ "سور" به مفهوم جشن و بزم و مهمانی دارد.

نوروز آیین ها و مراسم زیادی دارد. یکی از آیین های نوروزی که ویژگی خاصی دارد، تهیهٔ سفرهٔ هفت سین است. این که این رسم از چه زمانی تداول یافت و مروج گشت، معلوم نیست.

ابوریحان بیرونی در کتاب معروف خود «آثار الباقیه» می گوید: "هر شخص از راه تبرک به این روز طشتی جو کاشت، سپس این امر بر آریاییان پایدار بماند که روز نو در کنار خانهٔ، هفت صنف از غلات بر هفت استوانه بکارند..." و از روییدن غلات به خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند، اما به حرف اول غله ها اشارتی نکرده است. کشاورزان بدین باور بودند که آن گونه های انتخاب شده در آن سال، بار و حاصل فراوان خواهد داشت و بالیدن هریک را به فال نیک می گرفتند.

استاد جاوید در کتاب "نوروز خوش آیین" بدین باور است که به مرور زمان یک نوع تناوب و انتقال از هفت غله به هفت میوه صورت گرفته است. " شاید به مرور زمان این به صورت هفت سین درآمده، چون از غله و چوب و نبات و گل نتوانستند هفت چیز که نام شان با حرف سین شروع شود، یعنی هفت سین پیدا کنند، بناچار سرکه و سیر بدبو را در کنار سنبل خوشبو گذاشتند که نشانه یی غیر طبیعی بودن آن است."

در افغانستان هفت میوهٔ خشک را به جای هفت سین، چند روز پیش از نوروز در آب می گذارند و این میوه ترکرده را هم خود صرف می کنند و هم به مهمانان عرضه می نمایند. از آیین های دیگر نوروزی تهیهٔ سمنک است که از سالیان متمادی بدینسو در افغانستان عمومیت دارد و به عقیدهٔ عامه نه تنها نذر برآمدن حاجت ها و مرادهاست، بلکه باخود برکت و خیر به ارمغان می آورد. سمنک طی مراسم خاصی تهیه و به عنوان غذای نوروزی پیشکش دوستان می گردد.

نوروز با وجهه و رنگ محلی در سراسر افغانستان برگزار می شود و مردم در اماکن تاریخی و زیارتگاه ها و جاهای مشهور گردهم می آیند، غذا می پزند و می خورند و به شادی و سرور می پردازند. علاوه برآن، سرگرمی های ورزشی چون: بزکشی، کشتی گیری، اتن ملی، نیزه بازی، توپ دنده بازی، کاغذپران بازی، داربازی و ریسمان بازی در بین ملیت های مختلف افغانستان عمومیت دارد.

یکی از ویژگی های نوروز، زدودن ناپاکی ها و پلیدی ها از محیط زیست است. در این ایام خانه ها را پاک و ناپاکی ها را می زدایند، شیشهٔ پنجره ها را پاک و رختخواب ها را د رآفتاب می گسترانند، در صورت ممکن لباس نو به تن می کنند. همان گونه که طبیعت لباس نو به بر می کند، انسان ها نیز به تبعیت از طبیعت لباس خود را نو و یا اقلاً پاک می کنند.

تجدید دیدار با خویشاوندان و اقارب، زدودن کدورت ها، آشتی کردن، معذرت خواستن و نادم بودن از عملکردهای زشت و ناروا در برابر یکدیگر و امثال این ها را در روزهای عیدین و سال نو بیشتر از دیگر اوقات، میتوان دریافت کرد.

هر روزتان نوروز باد!

سفر داکتر خلیل زاد به کابل ...

در گردهمائی روز چهارشنبهء هفتهء گذشته در هوتل کابل سرینا که ژورنالیست ها و نمایندگان جامعهء مدنی شرکت داشتند، شرکت کنندگان این طرز فکر را که دیموکراسی برای افغانها قبل از وقت است دقیق ندانسته و گفتند که مردم افغانستان خواهان دیموکراسی و تقویت بنیادهای یک نظام مردم سالار در کشور اند هیچ ملتی نمی خواهد در تحت ادارهء یک نظام دیکتاتوری زندگی نماید و از آن راضی باشد اما باید به این نکته توجه داشت که در جهان نه یک نوع دیموکراسی بلکه دیموکراسی ها وجود دارد که در هر کشوری نظر به شرایط اقتصادی، اجتماعی و تاریخی آن می تواند متفاوت باشد. تحمیل دیموکراسی بشکل غربی آن در یک کشور اسلامی می تواند چالش برانگیز باشد.

در این دیدار، انتقادی بر خلیل زاد هم وارد شد و آن اینکه حکومت فعلی که یک ادارهء آغشته به فساد است به حمایت وی بمیان آمده و خود وی در لویه جرگهء قانون اساسی افغانستان از جملهء شخصیت های تاثیر گذار بوده است. خلیل زاد گفت که امریکا قبل از یازدهم سپتامبر برنامه ای برای حمله افغانستان نداشت و وقایع بعد از یازدهم سپتامبر امریکا را وادار ساخت تا بصورت عاجل دست به اقداماتی بزند. بصورت کلی می توان گفت که وقایع ناگهانی در آن زمان سیاست های امریکا را در مورد افغانستان سمت و سو داد و قبل از آن امریکا یک برنامهء از قبل تدوین شده برای افغانستان نداشت. ما فقط افغانها را کمک کردیم.

داکتر خلیل زاد گفت که وضع در افغانستان بحرانی است و باید در مورد اینکه چه کارهائی برای مقابله با این وضع می تواند صورت گیرد فکر شود. بزودی یک کنفرانس در امارات متحدهء عربی در مورد افغانستان دایر خواهد شد و در آن صاحبنظران افغان از داخل و خارج شرکت خواهند داشت. من جوانان تحصیلکردهء افغان را از کشور های خارجی دعوت کرده ام تا در این کنفرانس بصورت علمی این مسایل را مورد بررسی قرار دهند.

بعد از سفر خلیل زاد به کابل وی به دبی رفت و در این کنفرانس دو روزه اشتراک ورزید. در کنفرانس دبی مسئلهء انتخابات امسال افغانستان و چالش های فرا راه آن نیز مورد بحث قرار گرفت. در این کنفرانس کسانی چون علی احمد جلالی وزیر داخلهء پیشین و رنگین دادفر سپنتا وزیر خارجهء فعلی نیز شرکت داشتند و کاندیدای دیگر ریاست جمهوری چون آقای اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله از طریق ویدئو کنفرانس با شرکت کنندگان در این محفل سخن گفتند.

خلیل زاد هرچند تاکنون سمت رسمی در ادارهء جدید قصر سفید ندارد، اما او از جمله شخصیت هائی است که در طول چند دهه در قضایای افغانستان فعال بوده است. او از کسانی بوده که در دوران جهاد نزدیک ترین رابطه را با رهبران و فرماندهان جهاد داشته و این رابطه را حفظ کرده است. زمانیکه وی بعنوان سفیر ایالات متحدهء امریکا در افغانستان ایفای وظیفه می کرد، در عین حال بصورت غیر رسمی مشاور بسیار قدرتمند حکومت حامدکرزی بود.

خلیل زاد اکنون که از مقام نمایندگی امریکا در سازمان ملل متحد کنار نهاده شده مجددا به مرکز تحقیقاتی راند برگشته است. جائی که از سالها قبل با آن در رابطه بوده است. از آنجائیکه این مرکز تحقیقاتی به وزارت دفاع امریکا هم مشوره می دهد می توان گفت که این سفر آقای خلیل زاد لااقل بصورت غیر مستقیم مورد توجه دولت ایالات متحدهء امریکاست.

مسئله انتخابات و سه ماه حکومت بعد از اول جوزا و نگرانی در مورد خلای قدرت از اول جوزا تا تعیین انتخاب رئیس جمهور جدید از مسایلی است که خلیل زاد هم با رئیس جمهور و هم با فعالان سیاسی و بخصوص کاندیداهای ریاست جمهوری مطرح کرد. اختلاف بر سر این موضوع چالش بسیار بزرگی است و حتی این احتمال را در بر دارد که مشروعیت انتخابات را زیر سوال ببرد.

بصورت خلاصه می توان گفت که خلیل زاد در این سفر در حقیقت سفیر نگرانی های ایالات متحدهء امریکا در مورد افغانستان بود و از خطرات احتمالی ای سخن گفت که با بمیان آمدن دیموکرات ها در امریکا، افغانستان به آن مواجه خواهد شد و باید افغانها به این مسایل توجه جدی داشته باشند تا بار دیگر به فراموشی سپرده نشوند.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ چهلم پنجشنبه ۲۹ حوت ۱۳۸۷ - ۲۲- ربیع الاول ۱۴۳۰ - 19 March 2009

سفر داکتر خلیل زاد به کابل

وحید مژده



اوضاع در افغانستان این خطر را بوجود آورده که دنیای غرب و در راس آن ایالات متحدهء امریکا از اینکه واقعا تلاش های شان در افغانستان موثر است یا نه، دچار تردید گردند

****

خلیل زاد در این سفر در حقیقت سفیر نگرانی های ایالات متحدهء امریکا در مورد افغانستان بود و از خطرات احتمالی ای سخن گفت که با بمیان آمدن دیموکرات ها در امریکا، افغانستان به آن مواجه خواهد شد و باید افغانها به این مسایل توجه جدی داشته باشند تا بار دیگر به فراموشی سپرده نشوند

داکتر زلمی خلیل زاد یکی از شخصیت های مهم در ادارهء بوش و نمایندهء سابق این کشور در سازمان ملل متحد روز چهاشنبهء هفتهء گذشته به کابل آمد و دیدار هائی با شخصیت های سیاسی، دست اندرکاران جامعهء مدنی، نمایندگان مردم در پارلمان، سران اقوام و روشنفکران کشور داشت. این سفر به صورت غیر مترقبه و در شرایطی صورت گرفت که بحث بر سر سرنوشت ادارهء حامد کرزی بعد از اول ماه جوزا موجب اختلاف نظر میان فعالان سیاسی در کشور گردیده است.

داکتر خلیل زاد در ابتدای سخنان خویش در هوتل کابل سرینا تصریح نمود که وی کاندید ریاست جمهوری نیست و این موقف خود را قبلا هم در خارج و هم در داخل افغانستان مشخص ساخته است. دومین مطلبی را که خلیل زاد تصریح نمود این بود که این سفر و دیدار وی با افغانها به نمایندگی از دولت امریکا صورت نمی گیرد بلکه علاقمندی خود وی بعنوان کسیکه در افغانستان بدنیا آمده و به این سرزمین و مردمش و نگرانی از وضع در آینده موجب گردیده تا در این مقطع از زمان وی به کابل بیاید و با مقامات دولتی و غیر دولتی افغان در رابطه با نگرانی های روبه افزایش از وضع افغانستان در سطح بین المللی تبادل نظر نماید. خلیل زاد گفت که اوضاع در افغانستان این خطر را بوجود آورده که دنیای غرب و در راس آن ایالات متحدهء امریکا از اینکه واقعا تلاش های شان در افغانستان موثر است یا نه، دچار تردید گردند. این دلسردی و مایوسی این خطر احتمالی را در قبال دارد که بار دیگر پروژهء افغانستان به یک کشور همسایه سپرده شود که ما مشکلات ناشی از چنین وضعی را کاملا احساس می کنیم.

وی به این نکته هم اشاره کرد که در ایالات متحدهء امریکا نظر دیگری نیز در حال قوت گرفتن است و آن اینکه برای افغانستان بمیان آمدن دیموکراسی قبل از وقت بوده و در جامعه ای که هنوز در آن نهاد های نظام قبیلوی بسیار قوی و سخت جان است، تلاش برای تقویت دیموکراسی به تشنج و شورش انجامیده است. این سخن که حتی یکی از وزرای خارجهء سابق امریکا هنری کیسنجر هم از آن جانبداری می کند نمایانگر نوعی دلسردی از وضع در افغانستان است. خلیل زاد مشخص ساخت که خطری که افغانستان را تهدید می کند تنها از داخل نیست بلکه وضع نابسامان داخلی که در طول سالهای گذشته در آن هم خارجی ها و هم دولت افغانستان مقصر بوده اند، به ایجاد ذهنیتی در غرب انجامیده که می تواند خطر به فراموشی سپرده شدن مجدد افغانستان را در قبال داشته باشد. **ادامه درص۷**

استاد برهان الدین ربانی درجلسهٔ پایانی ...

استاد به امپراتوری عثمانی در ترکیه نیز اشارت کردو گفت: مسلمانان در دوران خلافت عثمانی زمانی که وحدت داشتند بر بخش هایی از اروپا فرمانروایی کردند، اما وقتی که مسألهٔ ترک و عرب در میان شان پیدا شد، امپراتوری عثمانی از دورن صدمه دید. ایشان گفتند: در سقوط امپراتوری ترکیه عوامل بیرونی وتوطئه های دشمنان را نمی تواند نادیده گرفت، اما عامل اساسی فروپاشی آن اختلافات درونی مسلمانان بود، عرب ها برضد ترک ها برخاستند و فرمانروایی آنان را نپذیرفتند وبه بهانهٔ آزادی از ترک ها در چنگ استعمار افتادند.

استاد در بخشی از سخنان شان به وحدت و یک پارچگی مردم مسلمانان افغانستان دردوران جهاد بر ضد اتحاد شوروی اشارت کردند وگفتند: ملت مسلمان با همدلی و وحدت بر ارتش سرخ اتحاد شوروی پیروز گردیدند و امروز هم ملت افغانستان با مشکلاتی فراوان رو به روست که با وحدت و یک پارچگی امیدوارهستم از این دشواری ها عبور کنیم.

درمدت سه روز اقامت استاد درتهران رسانه های مختلف مصاحبه هایی با ایشان انجام دادند ایشان در این مصاحبه ها بر ضرورت حفظ وحدت در میان مسلمانان تأکید کردند وگفتند که با وجود اختلافات مذهبی و سیاسی مسلمانان باید کوشش کنند درجهت وحدت و یک پارچگی گام بردارند. استاد گفتند که ملت های اروپا جنگ های بسیار طولانی را که منشأ قومی و نژادی داشته است، پشت سر نهاده اند و پس از قرن ها درگیری و جنگ به اتحاد دست یافته اند. امروز اروپا به هیأت یک کشور در آمده است، وقتی ویزای یکی از کشورهای اروپایی را داشته باشید می توانید به همه کشورهای اروپایی سفرکنید، اما سفر ازیک کشور اسلامی به کشور اسلامی دیگر بسیار مشکل است.

اروپا دارای سازمانی به نام جامعهٔ مشترک اروپاست، پول مشترک دارد و بازار مشترک. مسلمانان هم می توانند با وجود اختلافات سیاسی و مذهبی درزمینه های اقتصادی وفرهنگی و علوم و تکنولوژی با هم همکاری کنند.

استاد آرزوکرد که چنین کنفرانس هایی در هر جای دیگر از کشورهای اسلامی نیز برگزار شود تا در جهت تقویت وحدت وهمبستگی مسلمانان تلاش گردد.

در این کنفرانس دانشمندان اسلامی از کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای جهان از سنی وشیعه شرکت کرده بودند. همه ساله در تهران به مناسبت میلاد پیامبر صلوات الله وسلامه علیه این کنفرانس از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار می گردد.



په پاکستان کې، د وکیلانو او حکومت مخالف گوندونو گته او د زرداري ماتې!

شفيق

نږدې درې اونۍ د مخه د پاکستان دولت د هغې سترې محکمې يو درې کسيز کميسيون د شريف کورنۍ د غړو (نواز شريف او شهباز شريف) د نا اهلۍ پريکړه وکړه، چې د دغه هېواد پخواني نظامي واکمن جنرال پرويز مشرف د خپلې واکمنۍ په وروستيو مياشتو کې د سترې محکمې د پخواني قاضي القضات افتخار محمد چوهدري او د هغه د ملگرو پرخاې ټاکلي ؤ، چې له مخې يې د پنجاب ايالتي حکومت .چې شهباز شريف يې لومړی وزير ؤ-رنگ او د گورنر (والي) واکني نافذه شوه.

دغه پريکړه د مسلم ليگ گوند د نواز شريف ډلې او په ځانگړې توگه د شريف کورنۍ لپاره يوه نه منونکې پريکړه وه چې لاملـه يې نوازشريف او د هغه ورور شهباز شريف هر يو په خپلو لومړنيو څرگندونو کې هم د پاکستان د خلکو گوند او په ځانگړې توگه د دغه هېواد د ولسمشر آصف زرداري لخوا يوه له مخکې پلان شوې توطيه گڼلې وه او پرخلاف يې د لويو مظاهراتو د په کار اچولو هوډ څرگند کړی ؤ. همدارنگه د شريف کورنۍ سره د خواخوږۍ په توگه د دولت نورو مخالفو گوندونو، لکه: جماعت اسلامي، تحريک انصاف او د مدافع وکيلانو هغه غورځنگ هم د دولت پرخلاف او د سترې محکمې د وروستۍ پريکړې (مغرضانه گڼلو په ننگه د مظاهراتو ويستلو د لړۍ اعلان وکړ چې د افتخار محمد چودهري له خپل منصب (قاضي القضات له څوکۍ) د ليرې کولو په نتيجه کې د هغه د ننگې او ملاتړ په توگه د پرويز مشرف پرخلاف راولاړ شوی ؤ او هغه مهال هم .کله چې نواز شريف په سعودي عربستان کې د اته کلنې جلاوطنۍ وروسته هېواد ته راستون شو- نو د مسلم ليگ، جماعت اسلامي، تحريک انصاف او د محمود خان اڅکزي د پښتونخواه ملي عوامي گوند د دغو ليرې کړاې شوو وکيلانو په ننگه او ملاتړ کې غږ اوچت کړ چې لامله يې له مسلم ليگ پرته دغه نورو دريو اړو گوندونو، څه کم يو کال د مخه د ترسره شوو ټاکنو څخه مقاطعه کړيوه او هغه مهال هم قاضي حسين احمد له نوازشريف څخه د مقاطعې د ليار نيولو غوښتنه کوله او لا هغه وخت يې ورته د اوسني -چې پېښ شو- حالت وړاندوينه کړيوه.

اوس چې يو خل بيا د پاکستان د خلکو گوند مشر او د دې هېواد ولسمشر آصف زرداري لخوا د پخواني نظامي واکمن د لارې په خپلولو او د هغه په پل باندې د قدم په ايښودلو سره دا کړکيچ رامخته شوی نو د پاکستان سياسي استقرار او ان تردې چې د دې هېواد ځمکنۍ بشپړتيا او جمهوريت ته يې گواښ راولاړ کړيدی، او دا هغه حقيقت دی چې د پاکستان لومړي وزير د سترې محکمې په وروستۍ پريکړه د خپل لومړني عکس العمل **پاتې پر۶مخ**